

مطالعه انتقادی سیاست‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزی کردستان

رشید احمدرش

دکتری جامعه‌شناسی مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم استان کردستان
rahmadrash76@yahoo.com

هیوا احمدی

کارشناس ارشد مطالعه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

h.ahmadi6@ut.ac.ir

سیروان عبدهزاده

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه

چکیده

مناطق مرزی، جزو مناطق محروم کشور به شمار می‌آیند که سیاست‌های اقتصادی مختلفی برای توسعه این نواحی تدوین، تصویب و اجرا شده است. یکی از این سیاست‌ها، بازارچه‌های مرزی است که بعنوان راهکاری مطلوب جهت رفع محدودیت‌های مناطق مرزی، نسبت به مناطق مرکزی، توازن توسعه در مناطق مختلف و همچنین افزایش رفاه مردمان مناطق مرز نشین مورد توجه بسیاری از دولتمردان قرار گرفته است. این تحقیق در پی سنجش پیامدهای منفی سیاست‌های مختلف اقتصادی در مناطق مرزی، با تاکید بر بازارچه‌های مرزی است. بنابراین سوال محوری این پژوهش این است که سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی بانه و مریوان چه پیامدهای منفی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با خود به همراه داشته است. روش تحقیق کیفی و فن مصاحبه و مشاهده برای گردآوری داده‌ها و مطالعه جهان زیست مردمان این منطقه انتخاب گردیده است. برای تحلیل داده‌ها، روش نظریه زمینه‌ای مورد استفاده قرار گرفته شده است. نمونه هدف این تحقیق شامل سه دشته از افراد، دلالان و تجار شهری، افرادی که در بازارچه‌ها و خود شهر به داد و ستد و مشاغل مرتبط با بازارچه‌ها مشغولند و همچنین کاسبین خرده‌پا و فرهنگیان از افراد می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. در گروه اول ۷ نفر، گروه دوم ۸ نفر و در گروه سوم ۵ نفر انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. داده‌ها در دو بخش توصیفی و تبیینی، تحلیل و صورت‌بندی شده‌اند. در بخش اول، یافته‌های توصیفی چون سن، تحصیلات مورد توصیف واقع شده‌اند و در بخش تبیینی بر پایه مصاحبه‌ها ۶ مقوله منفک شده از هم مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی از لحاظ اشتغال سهم مساوی به همه نداده است و بیشتر افراد دارای نفوذ و قدرت از آن سهم برده‌اند. در بخش درآمد وضعیت افراد در اوایل به نسبت امروزه خیلی بهتر بود، ولی امروزه درآمد آنان به شدت کاهش پیدا کرده است. قاچاق کالا به نسبت قبل از اجرای سیاست‌های اقتصادی کم‌رنگ‌تر شده است، ولی باز به دلیل سیاست‌هایی چون بستن بازارچه‌ها قاچاق از بین نرفته است و کماکان کم و بیش ادامه دارد. مشاغل تولیدی-صنعتی خرده‌پا به شدت تحت تاثیر و تحلیل رفته است و رشدی منفی داشته است. یکی دیگر از پیامدهای این سیاست‌ها، بحث افت کمی و کیفی تحصیلات جوانان است، که شدت آن با اوج رونق بازار و تجارت مرزی همزمان بوده است. از دیگر پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی، بحث اجتماعی ذهنیت‌یابی پولی مردمان این نواحی است که پول و مالکیت فردی به یکی از علل وجودی ارزش و شأن اجتماعی و قدرتمند شدن بدل شده است. مقوله هسته نیز با توجه به دیگر مقولات و مشمولیت آنان تحت عنوان شکنندگی زندگی اقتصادی مرزنشینان صورت بندی شده است.

واژگان کلیدی: سیاست‌های اقتصادی، بازارچه‌های مرزی، اشتغال، مناطق مرزی کردستان

مقدمه و طرح مساله

یکی از شروط اصلی حاکمیت یک کشور، وجود مرزهای مستحکم، استقلال سیاسی و مرزهای یکپارچه تحت لوای ملت می‌باشد. حفظ وحدت و یکپارچگی در ثبات ملی نقش مهمی ایفا می‌نماید. با رویکرد جدید نسبت به این امر مهم، علاوه بر اهداف سیاسی (حفظ انسجام ملی)، وظیفه دیگر دولت در برابر ملت، ارتقاء سطح زندگی مادی و معنوی آنان در سطح مطلوب، توزیع عادلانه ثروت و منابع، کاهش فاصله طبقاتی و ایجاد وفاق جمعی می‌باشد. برای دستیابی به چنین اهدافی، لازم است که به هر منطقه با عنایت به ویژگی‌های اقلیمی، جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن در ابعاد خرد و کلان توجه مناسب مبذول گردد. غالب مناطق مرزنشین به دلیل شرایط طبیعی و ماهیت توسعه نیافتگی در زمره مناطق منزوی به شمار می‌روند (محمودی، ۱۳۸۳). بدین معنا مناطق مرزی به دلیل قرار گرفتن در جاهای کوهستانی و بیابانی و نداشتن زمین‌های مرغوب برای کشاورزی، دور افتادگی و در حاشیه بودن، پراکندگی جمعیت و شرایط اقلیمی نامناسب زمینه‌ساز مشکلات زیادی برای ساکنان آن، از قبیل به حاشیه رانده شدن، نبود درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه و پایین بودن وضعیت رفاهی افراد و مواردی از این قبیل است (وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹).

آنچه جهت رفع این معضلات مورد عنایت دولت ایران و اکثریت دولتمردان دیگر قرار گرفت، تاسیسی بازارچه‌های مرزی است. منطق پس این دیدگاه بیان می‌داشت که، بالندگی و حرکت در مسیر توسعه این مناطق تمرکز بر روی مبادلات بازرگانی و ایجاد بازارچه‌های مرزی می‌تواند به عنوان دروازه‌های اقتصادی عمل کرده و محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزیت‌های نسبی و گسترش همکاری‌ها و توسعه بازارهای بین منطقه‌ای، تثبیت قیمت‌ها، جهت‌دهی سودهای تجاری، افزایش اشتغالی و رفاه برای جامعه روستایی مرزنشین باشد (کامران، ۱۳۸۹؛ زرقانی، ۱۳۹۱). این بازارچه‌ها ضعف اقتصادی موجود در محدوده مرزها را جبران و از خالی شدن روستاهای حاشیه مرزها جلوگیری می‌نمایند. همچنین با پخش منافع توسعه به مناطق پیرامون، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها می‌گردد (پال^۱، ۲۰۱۱). از این رو برنامه‌ای کردن چنین مبادلات و جریان‌هایی در نوع خود به توسعه و گسترش بازارهای محلی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و بالاخره بهبود امنیت وزیرساختها و خدمات مورد نیاز منطقه را به همراه می‌آورد (مراتب، ۱۳۸۴).

چون اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقشی اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر، تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشند (چاندوویت^۲، ۲۰۰۴) به مرور و در چارچوب این دید و سیاست اقتصادی در مرزهای اکثر کشورهای در حالی توسعه، سطح قابل توجهی از نیاز مردم مرزنشین از طریق مبادلات مرزی تامین می‌شد. و این استلال را با خود یدک می‌کشید که این گونه مبادلات، هم در جهت توسعه محلی و هم برای توسعه تجارت و همکاری‌های منطقه‌ای مفید بوده است. کشورهایی که دارای سطح بالایی از آزادی در تجارت هستند، معمولاً ثروتمندتر از سایر کشورها هستند. بنابراین تجارت می‌تواند فقر را شناسایی، نابرابری‌ها را کاهش و آزادی را به میزان بسیار زیادی افزایش دهد (فانگا فانگا^۳، ۲۰۰۷). اما آنچه مساله ساز بوده سیاست‌های مابعد بازارچه‌های مرزی است؛ که به روشنی می‌توان نمودهایی از بیکاری گسترده، اشتغال کاذب و رو به اقتصاد سیاه، فرسایش رفتن حوزه فرهنگ، ایجاد شکاف‌های عمیق طبقاتی؛ به علت رانت‌خواری، عدم چارچوبی مشخص برای توسعه یافتگی و در نتیجه توسعه نیافتگی این مناطق اشاره کرد؛ که به کلی اهداف بازارچه‌های مرزی را که درصدد بود ارتباط سالم و مستمر تجاری با کشورهای همسایه، ایجاد رونق اقتصادی، بالا بردن ضریب امنیتی مرزهای کشور، شکوفایی استعداد محلی،

1. Pal

2. Chandoevmit

3. Phangaphanga

ایجاد و گسترش مشاغل مولد و افزایش رفاه مرزها و توسعه مناسبات سیاسی و تجاری با کشورهای همسایه و همچنین جلوگیری از قاچاق کالا را (آیین نامه بازارچه های مرزی، ۱۳۷۱) با خود به ارمغان آورد، به کلی دستخوش تغییر کرد. شواهد تجربی، حکایت از آن دارد که هر چه درجه‌ی توسعه‌یافتگی کشوری بیشتر باشد، اندازه‌ی نسبی اقتصاد سیاه آن کشور، کاهش می‌یابد (اچیندر، ۲۰۰۵)، که در این مناطق شاهد نتیجه معکوسی هستیم.

بنابراین برای ارزیابی سیاست‌های اقتصادی دولت در قبال مناطق مرزی که در طول چندین دهه شاهد آن بوده‌ایم؛ به درستی می‌توان در زیست جهان مردم آن مناطق وارد شد و لایه‌های پنهان آن را شناسایی نمود و دستاوردهای امروزی را در مقابل چشم‌انداز و اهداف اجرای این عمل اقتصادی مرزی قرار داد و زندگی مردم آن نوحی را ترسیم کرد. در شهرستان‌های بانه و مریوان نیز سیاست‌های بر مبنای بازارچه‌های مرزی مورد اجرا قرار گرفت. بازارچه‌های مرزی مریوان و بانه از قبیل باشماق، دره‌وران، کانی‌چنار و سیران‌بند که هم‌مرز با کشور عراق می‌باشند، از جمله بازارچه‌هایی هستند که با هدف افزایش رفاه در مناطق مرزی استان کردستان تأسیس گردیده‌اند. حال مشارکت مشاهده‌اند از زیست مردم این نواحی و تجربه زیسته به تبیین و چگونگی کارکرد و عملکرد، میزان و کیفیت اثرگذاری سیاست‌های اقتصادی بر روی توسعه این نواحی و پیامدهای توسعه مطلوب به عنوان مسئله اصلی این پژوهشی است. لازم است ذکر شود هدف از این جستار نگاه انتقادی به دور شدن از ماهیت اولیه سیاست‌های اقتصادی و مسئله‌مند بودن پیامدها آن است. بنابراین ادعا بر این اسن نیست که دستاورد کلی سیاست‌ها تنها ابعاد منفی است. که این دید یک‌جانبه نگرانه نتایجی اشتباه در بر خواهد داشت. بنابراین در راستای این رویکرد سؤال اصلی این تحقیق به شرح زیر مطرح هست: سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی چه پیامدهای منفی در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته است؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر معنا کاوی دیدگاه و ذهنیات مردم شهرستان بانه و مریوان در خصوص پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در قبال آن است.

علاوه بر این اهداف جزئی این پژوهش عبارتند از:

- شناخت پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در حوزه معیشت و درآمد
- شناخت پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در حوزه آموزش
- شناخت پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در حوزه تغییر ارزش‌ها
- شناخت پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در حوزه داد و ستد غیررسمی

پیشینه تجربی تحقیق

رضانی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی دیدگاه دبیران و دانش آموزان مقطع متوسطه در خصوص نقش مناطق تجاری مرزی در شهرهای مریوان و بانه بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل پرداخته است. نتایج کلی پژوهش مؤید آن بوده که ارتباط معنی‌داری میان میزان اشتغال به کار با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد. این نتایج نشان داد که بین اشتغال به کار و میزان انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان رابطه معکوس وجود دارد. باینگانی (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود به مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین با روش اتنوگرافی انتقادی

4. Schneider

پرداخته است. حوزه‌های مختلفی در این جستار مورد بررسی قرار گرفته؛ آنچه که در حوزه آموزشی می‌توان با تاکید بیان کرد، کم شدن اقتدار فرهنگیان و افزایش ترک تحصیلات در منطقه بانه است؛ به نوعی که محسوس و آشکار است. احمدی (۱۳۹۵) به تبیین جامعه‌نشاختی هژمونی بازار و تحصیلات جوانان شهرستان بانه پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در طول سگ دهه تحصیلات جوانان به مدد علل ساختاری دیگر چون آموزش و بین‌المللی تاثیرات منفی از بازار پذیرفته است، ولی در چندان سال اخیر با توجه به کاهش رونق تجارت مرزی، کشش تحصیلات نیز بیشتر شده است؛ علاوه بر این نه تنها فرهنگیان مورد طرد قرار نگرفته‌اند، بلکه افراد فقیر در هر قشر موطن طرد واقع شده‌اند. عبده‌زاده سال (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر کیفیت زندگی روستائیان مرزنشین مورد مطالعه: بازارچه‌های مرزی و روستاهای منتخب شهرستان مریوان پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان از آن است که در شرایط کنونی به صورت نابرابر، فقط گروه‌های خاصی از مرزنشینان (شهرنشینان و تاجران یا صاحب بارها) از مزایای تأسیس بازارچه‌ها سود می‌برند، لذا باید سازوکارهای ممکن جهت افزایش مشارکت روستاها در فعالیت بازارچه‌ها فراهم گردد. کامران و همکارانش (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان "تحلیل کارکرد بازارچه مرزی باجگیران" که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و از طریق مصاحبه مسئولین و مردم محلی صورت گرفته، اذعان می‌دارند که این بازارچه، با وجود آن که اهداف اصلی ایجاد آن، جلوگیری از مهاجرت و قاچاق کالا بوده، ولی این بازارچه نتوانسته است به این اهداف خود برسد. به طوری که تاکنون فقط ۳ روستا از ۳۴ روستای دارای سکنه بخش، از این بازارچه استفاده کرده‌اند. یعنی با دور شدن از مرکز بخش، تأثیرات بازارچه کم و حتی به صفر رسیده است. هر چند که مردم روستاهای استفاده‌کننده، ایجاد بازارچه را مفید ارزیابی می‌کنند اما این بازارچه در زمینه کاهش یا قاچاق کالا موفق عمل نکرده است. شرافت و یاری (۱۳۹۱)، در تحقیق خود تحت عنوان نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه روستایی مناطق مرزی، مورد مطالعه: بازارچه مرزی مهران^۵، به این اشاره کرده‌اند که بازارچه‌های مرزی به توسعه روستایی مناطق مرزی کمک شایانی کرده است. این مطالعه از نوع پیمایشی بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بازارچه مرزی مهران باعث افزایش اشتغال، کاهش مهاجرت، افزایش درآمد و بهبود کیفیت زندگی ساکنین روستاهای مجاور شده است. افتخاری و همکاران (۱۳۸۷)، بررسی‌ای با عنوان "ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتاب‌های توسعه در مناطق مرزی استان کرمانشاه" انجام داده‌اند. نتایج بدست آمده در این تحقیق حاکی از آن است که بازارچه توانسته است اثرات اقتصادی مثبتی بر روی مناطق پیرامون خود بر جای گذارد. آسنده^۵ در تحقیقی با عنوان "برده برداشتن از چالش‌های مرتبط با سلامت زنان در اقتصاد غیر رسمی" (تجارت مرزی زنان مرزنشین در آکرا و غنا) در سال ۲۰۱۲ بیان کرده است که اکثر کارگران بخش غیر رسمی شهری فاقد بهداشت اولیه، امنیت اجتماعی و خدمات می‌باشند و در محیط ناسالم و پرخطر محیط زیست به سر می‌برند. زنان مشغول تجارت مرزی هم جزو این گروه قرار می‌گیرند. با وجود این که آن‌ها نقش مهمی در اقتصاد هم داشته باشند اما باید گفت که در موقعیت شغلی خود با خطرات بهداشتی زیادی مواجه هستند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در رابطه با سلامت جسمی، با شایع‌ترین بیماری‌ها از قبیل: بدن درد، درد پشت و پاها در ساعت‌های طولانی روز گرفتارند. همچنین روز به روز به مشکلات روانی آن‌ها افزوده می‌شود. آن‌ها همچنین در راه تجارت توسط دزدان مسلح و مشتریان غیر قابل اعتماد مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند.

روش تحقیق

پیش‌بینی ناپذیری و در عین حال فریبندگی کنش‌ها و تعاملات انسانی به حدی است، که هر محیط جدید نیازمند تبیین‌های جدید است. از نظر فلیک، مهم‌ترین دلیل در انتخاب هر روشی به مانند کیفی یا کمی ماهیت و نوع سؤال پژوهش

^۵. Asente

است. به‌نوعی که رویکرد کیفی برای پژوهشی مناسب است که به دنبال ادراک معنی یا ماهیت تجربه افراد باشد (فلیک، ۱۳۹۲: ۱۳). در این مقاله با توجه به ماهیت و تفهیمی بودن موضوع، که به زندگی و تجربه زیسته ساکنان مناطق مرزی در امتداد سیاست‌های اقتصادی در آن نواحی می‌پردازد و در صحنه‌های عمومی و حساس مربوط است، اهداف، ضرورت و مطالعه عمیق و همه‌جانبه آن از روش کیفی استفاده شده است. این رویکرد مصاحبه‌شوندگان را کنشگرانی فعال، هوشیار و عمدتاً مسلط بر ساخت‌های اجتماعی عینی و حالات درونی خود می‌بیند. این روش بیش از آنکه تعمیمی باشد، انعکاس‌دهنده مفاهیم ناشناخته است و در اکتشاف مسایل و نکات جدید در رابطه با موضوعات مختلف و حوزه‌هایی که کمتر بدان توجه شده و کمتر بسط داده شده، کاربرد دارد (دارلینگتون^۶ و اسکات^۷، ۲۰۰۲). زمانی که موضوع به خوبی تعریف نشده و دامنه و توالی فعالیت‌های مربوط به موضوع مورد مطالعه، ناشناخته است و همچنین تجارب زیسته و فهم افراد درگیر با مسئله خاص اجتماعی در کانون توجه محقق است، از حیث روش‌شناختی، اتخاذ رویکرد کیفی ضروری است. به یک معنا کشف تصویر ذهنی و تاثیر کیفی سیاست‌های اقتصادی بر زندگی مردم به‌عنوان کنشگران بدون توجه به زیست جهان آنان و محتواهای نهانی پوشش خود امکان‌پذیر نیست. بنابراین با توجه به هدف اصلی؛ تبیین پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی، از فن‌های ژرفانگر نیز برای جمع‌آوری داده استفاده بعمل آمده است. مشاهده یکی از روش‌های مورد اشاره می‌باشد. از آنجایی که محققان به انجای مختلف با مناطق مرزی در ارتباط بوده و پژوهش‌های دیگری در این نواحی به انجام رسانده‌اند، مشاهده و مشاهده مشارکتی (به معنای تجربه‌گذران معیشت در این نواحی) از ابعاد اصلی فن جمع‌آوری اطلاعات است. یکی دیگر از فنون جمع‌آوری داده در این جستار مصاحبه می‌باشد. به طوری که برای جمع‌آوری داده‌های شفاهی از مصاحبه استفاده شده است. یعنی رایج‌ترین شکل که در جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش کیفی استفاده می‌شود. در این روش بین پژوهشگر و پاسخگو در مورد تک‌تک پرسش‌های موردنظر، ارتباط روبرو و شخصی برقرار می‌شود که منتج آن گفتگویی هدفمند است (ازکیا و ایمانی، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۲). در تحقیق حاضر برای انجام مصاحبه و هدایت آن سؤالات از قبل طراحی گردیده و از آنجایی که از مصاحبه به‌عنوان راهبرد اصلی گردآوری داده استفاده شده است، پرسش‌های باز و نیمه ساخت یافته مورد استفاده قرار گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌گیری هدفمند استفاده بعمل آمده است. بدین معنا که افراد مشارکت‌کننده، به جای انتخاب تصادفی، با توجه به ویژگی‌های‌شان نسبت به پدیده مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. در مورد اینکه چه کسانی باید مورد مشاهده یا مصاحبه قرار گیرند؛ باید به اهداف و ویژگی‌های سوالی جستار رجوع کرد. اگرچه بعدها ممکن است تغییراتی در این خصوص ایجاد شود. در این مطالعه مصاحبه با افراد در مکان‌های مختلفی از جمله مغازه، خودبازارچه‌ها و غیره انجام شد. بدین ترتیب با رعایت اشباع نظری مصاحبه‌ها تا ۲۰ نفر ادامه پیدا کرد. از این تعداد ۷ جوان مجرد که به کار تجارت در شهر، مشغول بودند و ۸ نفر در بازارچه‌ها مشغول به کار بودند که شامل مجردین و متاهلی می‌شد، مابقی مورد‌های نمونه از صنف‌های دیگری (چون مشاورین، کاسب و حتی محصلین) انتخاب شده‌اند. افراد نمونه در محدوده سنی ۴۰-۱۵ سال قرار داشتند. نحوه انتخاب این افراد بدین شکل بوده که از هر صنفی با توجه به نمونه بودن سوژه انتخاب‌هایی صورت گرفته است؛ تا بازاریان شهری، افراد شاغل در بازارچه‌ها، صنف فرهنگی، محصلین، دیگر کاسبین شامل شوند. تقابل این ذهنیت‌ها به پیامدهای سیاست‌های اقتصادی در آن نواحی یکی از پایه‌های اعتبار این پژوهش را تشکیل می‌دهد. بدین صورت دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در کل مسیر تحلیل و حتی نوشتن داده‌ها در مقابل هم قرا می‌گرفت. فرایند مصاحبه‌ها تا رسیدن داده‌ها به اشباع نظری ادامه یافت. لازم به ذکر است عینک مورد استفاده در این تحقیق مرکب از نحله انتقادی در روش‌شناسی و نظریه زمینه‌ای است. محققین برساخته‌ها و تفسیرهای

^۶. Darlington

^۷. Scott

کنشگران راه، از سیاست‌های اقتصادی با دید انتقادی مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده‌اند. در تحلیل داده‌ها؛ سطر به سطر مصاحبه‌ها مورد کدبندی واقع گرفته‌اند و مفاهیمی استخراج و کدبندی و در زیر مجموعه‌های مختلف اقتصادی، آموزشی به نام مقوله دسته‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بدین معنا از ترکیب تعداد این مفاهیم در زیر مقوله‌های مرتبط تعداد ۶ مقوله پیامدی با مقول هسته زیست جهان اقتصادی مرزنشینان استخراج شده است و در مدل ۱ که به طور ویژه مدلی پیامدی است، ترسیم شده‌اند. همچنین واکاوی محتوایی و مفهومی مصاحبه‌ها، همراه با تجربه زیسته و مشاهده محققان در کنار تحلیل مقوله‌ها در سطوح مختلف به چشم می‌خورد.

یافته‌های تحقیق

توصیفی

از تعداد افراد مورد مشارکت ۱۴ نفر متاهل معادل ۷۰٪ و تعداد ۶ نفر مجرد بودند. ۳۵ درصد از افراد مورد مشارکت تنها در شهر به معنای کالبدی آن مشغول به تجارت بودند؛ که میانگین سن آنان ۳۹/۸ سال بود. ۴۰ درصد از افراد درگیر بازار در بازارچه‌ها و خود شهر به داد و ستد مشغول بودند، میانگین این افراد نسبت به گروه اول اندکی کمتر یعنی معادل ۳۶/۲ سال بود. ۲۵ درصد نیز افراد مورد مشارکت نیز از صنف کاسب (۲ نفر صنعتی) و ۳ نفر از قشر فرهنگی را شامل می‌شد که میانگین سن این دسته از افراد نیز ۳۳/۳ سال بود. لازم است ذکر شود که در هر سه گروه تعداد ۶ نفر، معادل ۳۰٪ تنها مدرک لیسانس و به بالاتر داشتند که آن هم بیشتر از گروه فرهنگی بود.

استنباطی

■ سیاست‌های اقتصادی و وضعیت درآمد مرزنشینان

در گذشته‌ای نه چندان دور، مردمان نواحی مرزی به جهت نداشتن کشاورزی مطلوب و عدم برخورداری از فرصت‌های اقتصادی دیگر در منطقه مجبور به تجارت مرزی به شیوه سنتی یا قاچاق در مرزهای غیر رسمی بوده‌اند که این امر تأثیر شگرفی بر شکل‌گیری اقتصادی غیر رسمی در منطقه داشته است. این شیوه تجاری از نگاه آنان پیامدهای مثبت و منفی^۸ زیادی برای روستائیان مرزنشین در پی داشته است که خود جای بحث و بررسی می‌باشد.

"کامران" یکی از افراد ساکن در نواحی مرزی شهرستان مریوان در این زمینه چنین می‌گوید: «کار مرز و تجارت مرزی به طور غیر رسمی حدود ۵-۶ سال قبل خیلی رونق داشت و پول زیادی نصیب افراد مرزنشین می‌گردید یعنی زمانی که کنترل و نظارتی روی آن صورت نمی‌گرفت. هم میشه گفت خوب بود هم بد، از آن جهت که برای مردم شغل ایجاد شده بود و درآمد خوبی داشتند، خوب بود ولی الان کمتر شده است. هر چند با پارتی بازی معدود افرادی س.دهای کلان را به جیب می‌شکنند و مابقی زندگی بخور و نمیری دارند و ناراضی هستند» (کامران، ۳۱ ساله).

پس در طی چند سال گذشته، مردم اطراف مرز به کار تجارت به شیوه‌ای غیر رسمی اشتغال داشتند که سود خوبی هم نصیب آنان گردید که این امر خود سبب شکل‌گیری انتظاراتی بیش از حد در میان آنان شد که با قطع و صورت گرفتن کنترل بر آن توسط دولت، نارضایتی‌هایی به جهت نداشتن درآمد در میان مردم مرزنشین به وجود آورده است. دولت به جهت ساماندهی به کار آنان، تصمیم به ایجاد بازارچه‌هایی رسمی اما موقتی در روستاهای مرزی کشور گرفت که طی آن افراد ساکن در روستاهای اطراف مرز از دفترچه‌های پيله‌وری (مخصوص سرپرستان خانوار و افرادی که خدمت سربازی را انجام داده‌اند) برخوردار گشتند.

^۸ طی مصاحبه‌هایی یکی از پیامدهای منفی این نوع تجارت را در منطقه دنبال نکردن صنعت و کارهای تولیدی دیگر توسط مردم اعلام کردند.

این دفترچه‌ها به رنگ‌های آبی و زرد می‌باشند که در روزهای زوج و فرد هر یک از آن‌ها مجوز وارد کالا را دارند. اما با سیاست‌های در پیش گرفته شده و بستن بازارچه‌ها هر زمان وضعیت به شدت بدتر می‌شود.

"عزیز" مشغول به کار در بازارچه مرزی شهرستان مریوان در این مورد چنین توضیح می‌دهد: «به دلیل این که قاچاق کالا در طی چند سال گذشته در محدوده‌ی مرزی این روستا زیاد بود، بازارچه کانی‌چنار که بازارچه‌ای رسمی اما موقتی می‌باشد توسط استانداری، فرمانداری و با هماهنگی هنگ مرزی در منطقه دایر شد، تا واردات از طریق آن به صورت رسمی و قانونی صورت گیرد. این بازارچه ظرفیت ۵۰۰۰ نفر نیروی شاغل در روستاهای اطراف را دارد که ۲۵۰۰ نفر در روزهای زوج و ۲۵۰۰ نفر دیگر در روزهای فرد و با دفترچه‌های پیلهوری خود مجاز به وارد کردن کالا از مرز هستند. این مرز در گذشته تأثیر زیادی بر تأمین معیشت مردم داشته است. اما اکنون به دلیل محدودیت‌هایی که بر واردات کالا اعمال می‌شود تا حدود زیادی از درآمد مردم کاسته شده که نارضایتی‌هایی را بدنبال داشته است. الان روزانه چیزی حدود ۱۰۰ نفر کولبری می‌کنند که این رقم در گذشته خیلی زیاد بود. در این بازارچه کسی که دارای دفترچه پیلهوری است هر بار که نوبت به او برسد که معمولاً در ماه شاید ۳ بار نوبت داشته باشد، هر بار مجاز به وارد کردن ۲۵۰ کیلو گرم کالا می‌باشد. در ازای وارد کردن این مقدار کالا ۴۲۰۰۰ تومان پول از صاحب بار دریافت می‌کند که ۹۰۰۰ تومان از آن، بابت پول فیش به حساب فرمانداری کسر می‌گردد. اگر کسی نتواند بار را جابجا کند ۵۰۰۰ تومان باید حق کولبر بدهد تا بار را به صاحب‌بار تحویل دهد. ۲۰۰۰ تومان نیز از این مبلغ، جهت کرایه ماشین از آن کسر می‌گردد که مانده پول افراد روستایی مرزنشین دارای دفترچه جمعاً برابر با ۲۶۰۰۰ تومان می‌باشد که به نظر خودشان خیلی مبلغ ناچیزی است که قابل قیاس با درآمدهای حاصله گذشته نیست. جدا از این بعضی وقتا این بازارچه‌ها نیز بسته خواهند شد و به کلی درآمد مردم رو کاهش پیدا می‌کند» (عزیز، ۴۲ ساله).

چنانچه از مصاحبه افراد مشاهده می‌شود، وضعیت درآمدی مردم با تاسس بازارچه‌ها به شدت کاهش پیدا کرده است و در نتیجه معیشت آنان مختل شده است.

«رحمان مشغول به کار تجارت در شهرستان بانه بیان می‌کند. اگر بخواهیم به درستی وضعیت درآمدی مردم را بحث کنیم، باید به تقسیم بندی دوگانه خیلی کلی دست بزنیم. افرادی که با نفوذ خود درآمد واقعا کلانی با این سیاست‌های اقتصادی کسب می‌کنند و افرادی که تنها زندگی بخور و نمیری را دارند» (رحمان، ۳۶ سال). یکی دیگر از افراد مشارکت کننده اشاره می‌کرد «اگر پول و نفوذ داشته باشی، واقعا درآمد خوبی خواهی داشت؛ ولی اگر پول تجارت نداشته باشی، اگر نوبت برسه میتونی کولبری کنی و یا اینکه داخل شهر دستفروش بشی» (توفیق، ۲۹ ساله).

■ سیاست‌های اقتصادی و وضعیت اشتغال مرزنشینان

در مناطق مرزی فقر و فشارهای اقتصادی در زندگی مردم عاملی است که آن‌ها را وادار به کار تجارت مرزی نموده است. این تجارت چه به شیوه‌ای رسمی و چه غیر رسمی‌اش به عنوان یک شیوه‌ی معیشتی و منبع درآمد، متغیری می‌باشد که پیامدهای مثبت و منفی‌ای بدنبال داشته است. اهمیت این پدیده در سطح خرد و کلان قابل مطرح است. در سطح خرد، مجموعه کالاها و نیازهای ضروری زندگی مردم محرکی جهت برقراری مبادله میان مرزی به جهت رفع نیازهای مذکور بوده است. در سطح کلان نیز بحث تصمیم‌گیری‌ها و حساسگری‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌ها مطرح می‌گردد که بنابر منافع و مصالح ملی و در قالب سیاست‌گذاری‌های خاص دنبال می‌گردد. یکی از اهداف ایجاد و گسترش بازارچه‌های مرزی، ایجاد شغل چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم برای افرادی است که در منطقه محروم مرزی ساکن هستند. اما نحوه تخصیص این اشتغال و نتایج سیاست‌های مابعد تاسیسی بازارچه‌ها اهمیت فراوانی دارد. طبق نتایج تحقیق عبده‌زاده (۱۳۹۲) در منطقه مریوان، چنانچه در

جدول (۱) نشان داده شده است، بیشتر افراد بی قدرت روستا و شهری به کارهای پیلهوری و کولبری و مشاغلی از این قبیل مشول به کارند و تنها عده‌ای معدودی از سیاست‌های اقتصادی دولت نفع زیادی برده‌اند.

جدول ۱: شغل افراد ساکن مناطق مرزی روستایی شهرستان مریوان

شغل	روستاهای تحت تاثیر بازارچه‌ها	فراوانی	درصد معتبر
تاجر	۱	۰.۸	
کارگر بازارچه	۲۷	۲۱/۳	
پيله ور	۴	۳/۱	
راننده	۱۸	۱۴/۲	
جمع کل	۵۰	۳۹/۴	

منبع: عبده زاده (۱۳۹۲)

چنانچه مشاهده می‌شود؛ به درستی می‌توان نمودی از نابرابری وضعیت اشتغال مناسب را بعنوان پیامدهی از سیاست‌های اقتصادی تاسیس بازارچه‌ها در مناطق روستایی مشاهده کرد. مصاحبه‌های این تحقیق نیز در دو شهرستان موید چنین نتایجی است. بنا به گفته‌ی مرزنشینان، مرز رسمی باشماق مریوان از ابتدای شروع به کار تاکنون بیشترین منفعتش نصیب تاجران، شهرنشینان ثروتمند و افراد ساکن در استان‌های همجوار شده است. عبدالله بیان می‌کرد:

« فکر میکنی همه از این سیاست اقتصادی بازارچه‌ها سهم یکسانی بردند. نه اصلا اینجوری نیست، خصوصا در این دو سال اخیر، شکافها بین افراد دارا و ندار خیلی بیشتر از گذشته شده است و مردم با مقایسه‌ها خیلی دچار محرومیت می‌کنند» (عبدالله، ۳۰ ساله).

افراد ساکن در روستاهای اطراف بازارچه‌ها غیر از کارگری، کولبری یا تخلیه و بارگیری کالاها بهره‌ای از آن نبرده‌اند. طاهر در این زمینه چنین می‌گوید:

«مرز رسمی باشماق تأثیری آنچنانی در بهبود زندگی ما و ایجاد اشتغال برای روستائیان و حتی شهرهای بی‌پول و بی‌قدرت نداشته است. بعضی از افراد روستا و شهرنشینان بی پول روزانه جهت کارگری و تخلیه و بارگیری کالاها به صورت روزمزد در آن مشغول به کار هستند. پس در کل نمی‌شود روی آن زیاد حساب کرد و باید گفت که سود اصلی آن به تاجران و صاحب بارهای شهری و روستایی ثروتمند و صاحب نفوذ می‌رسد چون ما سرمایه‌ای نداریم پس جایگاهی از این بالاتر هم نمی‌توانیم در آن داشته باشیم» (طاهر، ۴۸ ساله).

گفته‌های هیمن نیز در شهرستان بانه در تایید این دید است.

« بدون شک وضعیت اشتغال مردم شهرستان بانه نسبت به گذشته بهبود پیدا کرده است؛ ولی باور کنید؛ این فقط در اوایل بود، الان باید صاحب پول و قدرتمند باشی تا بتوانی اشتغال خوبی داشته باشی، وگرنه باید فقط کولکشی و باربری، دست‌فروشی و شغل‌هایی از این قبیل انجام بدی» (هیمن، ۳۵ ساله). ی:ی دیگر از افراد مورد مصاحبه تاکید می‌کرد «به نسبت اولیه تاسیس بازارچه‌های مرزنشینی واقعا اشتغال و وضعیت شغلی به دو دسته پول‌داران و صاحب سرمایه اقتصادی و قدرتمند و قشر ضعیف و بی‌پول تقسیم شده است» (رسول، ۳۶ ساله).

■ سیاست‌های اقتصادی و قاچاق کالا

پدیده قاچاق در مناطق مرزی به صورت طبیعی و در شرایط غیرعادی اقتصادی، اغلب شامل کالاهای نامشروع و کالاهای مشروع، ولی ممنوع است. قاچاق کالا در شهرستان مریوان و بانه نیز زاده‌ی عواملی از جمله کاهش قدرت خرید متقاضیان، بالا بودن قیمت واردات کالا، عدم کنترل و انسداد مرزها، وضعیت بد مردم مرزنشین و بیکاری می‌باشد و در شرایط عادی حاصل عمل سودجویان و طمع بیشتر آن‌ها می‌باشد. یکی از اهداف تأسیس بازارچه‌های مرزی، جلوگیری از رواج بازارهای غیررسمی از جمله قاچاق کالا و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی می‌باشد و لیکن واقعیت نشان می‌دهد که ورود کالای غیرقانونی از طریق معبرهای مختلف مرزی همچنان ادامه دارد. در مناطق مورد بررسی در تحقیق حاضر، مصاحبه‌ها به خوبی نشان می‌دهد که به دلیل وجود پدیده بیکاری و نداشتن امنیت شغلی و همچنین عدم برخورداری از زمین‌های مناسب جهت کشاورزی، در برهه‌هایی مردم جهت امرار معاش خود از سر ناچاری روی به قاچاق کالا آورده‌اند. بیکاری یکی از دلایل اصلی گرایش مردم به قاچاق کالا در نوار مرزی می‌باشد. این عامل خود ماحصل رابطه یک مجموعه چند علیتی می‌باشد.

"حسن" در زمینه قاچاق کالا چنین می‌گوید: «در سالیان گذشته شغلی در این منطقه نبود که ما را از قاچاق کالا روی-گردان کند، کشاورزی خوبی هم نداشتیم، الان هم نداریم. درآمد این کار از شغل کارگری به صرفه‌تر بود اما هرچند زیاد تمایل به انجام آن نداشتیم ولی از سر ناچاری بود چون شغلی دیگر نداشتیم. اما باید بگم از وقتی که فعالیت‌های بازارچه‌ها تحت کنترل نیروهای نظامی قرار گرفته و کار مرز با دادن دفترچه‌های پیلهوری تا حدودی سر و سامان گرفته پدیده قاچاق کاهش یافته است» (حسن ۳۹ ساله).

لازم است یادآور شویم که قاچاق کالا به نسبت گذشته با سیاست بازارچه‌ها به شدت کاهش پیدا کرده بود، ولی به مرور با گسترش رانت‌های دیگری که محدود افرادی از بازارچه‌ها سود می‌برند، مردم به قاچاق کالا بار دیگر روی آورده‌اند و از راه‌های مختلف کالاهای مختلفی وارد می‌کنند.

"هیوا" در این بابت بیان می‌کند که: امروز با تاکید به نسبت گذشته قاچاق کالا وجود ندارد ولی به حد صفر نرسیده است و می‌بینیم که چقد کالا به صورت قاچاق وارد می‌شود. این یکی به دلیل به اصطلاح طایفه بودن سود و سود بازی در تجارت شهر است که محدود افرادی از آن سهم می‌برند و مابقی یا دست فروشن یا کولبرن و یا کارهای خدماتی انجام می‌دهند. مردم وقتی با این سطح اختلاف درآمد مواجه می‌شوند، خود به خود به فکر کارهایی خواهند افتاد تا بتوانند خودشان را ثروتمند و آن منزلت را کسب کنند (هیوا، ۳۸ ساله).

بنابراین پس از صورت گرفتن نظارت و کنترل بر واردات مرزی غیر رسمی، به اصطلاح طایفه‌ای شدن سود ناشی از این واردات؛ نارضایتی‌هایی در میان مردمان مرزی ایجاد شده است که خواسته اکثریت آنان افزایش تعداد اقلام کالاهای وارداتی و افزایش سهمیه‌شان در طول هفته جهت وارد کردن بیشتر کالا از طریق بازارچه می‌باشد. به طوری که هم‌اکنون در طول هفته یکبار بیشتر به وارد کردن کالا نمی‌پردازند و حتی بعضی وقت‌ها نوبت‌شان نیز به تأخیر می‌افتد که این خود موجب نارضایتی آنان گشته است. هژیر که خود در بازارچه و بازار مرزی بانه کار می‌کند، بیان می‌کند:

«انقد کولبر زیاد شده است، که نوبت نمیرسه کار هم کنیم و یا اینکه خیلی دیر نوبت می‌رسد» (هژیر، ۳۳ ساله).

این امر امروزه به خوبی در مناطق مرزی بانه و مریوان وجود دارد؛ که معلول سیاست‌های اقتصادی دولت در مناطق مرزی می‌باشد.



سیاست‌های اقتصادی و مشاغل تولیدی-صنعتی در مناطق مرزی

شهرستان بانه و مریوان منطقه‌ای هستند، کوهستانی و جنگلی تابع استان کردستان. این شهرستان‌ها محصور کوه‌های بلندی است که دورتادور آن‌ها را احاطه کرده. ورود و خروج از آن مستلزم عبور از گردنه‌های مرتفع است که در قسمت باختر از ارتفاعات کاسته می‌شود. اقتصاد و نظام معیشتی بسیاری از ساکنان کردستان و خصوصاً بانه قبل از راه‌اندازی این بازارچه‌های مرزی، مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده است؛ هرچند از لحاظ زمین‌های کشاورزی این منطقه چندان حاصل خیز نبود. به‌طور مثال در سال ۱۳۷۹ طبق آمار امین زاده (۱۳۹۰) در شهرستان بانه نسب زمین‌های دیم، آبی به ترتیب ۷۹۲۳ و ۵۷۸۱ است که به نسبت شهرهای همچون مریوان، خود سنندج، قروه و حتی بیجار به‌عنوان مرتفع‌ترین شهر این استان، کمتر است (امین زاده، ۱۳۹۰: ۹۰). دستاورد این محیط طبیعی برای مردمان این دو منطقه چیزی جز فقر و گذران به سختی زندگی نبود. نوع زندگی غالب با توجه به این مشکلات محیطی باعث آن می‌شد که مردم زندگی همراه با فقر سپری کنند. با اجرایی سیاست‌های رفاهی و تأثیر بازارچه‌ها بر زندگی مردم، رونق اقتصادی به نسبت سال‌های گذشته رشد صعودی داشت. رونق اقتصادی که در اینجا منظور است، رونقی که در چارچوب بازارچه‌های مرزی و اشتغال‌های خدماتی معنی پیدا می‌کرد و به یک باره مشاغل تولیدی-صنعتی چون کشاورزی، مکانیکی، صافکاری، باغداری، اتاق‌سازی و مواردی از این قبیل را به شدت تحت تأثیر قرار دارد و در ذهنیت مردم، این مشاغل مختص کسانی است که توانایی رقابت در بازار را ندارند. "سیروان" از افراد مورد مصاحبه که جوشکار بود بیان می‌کرد:

«مشاغلی از قبیل مشاغل من، واقعا نسبت به بازار سود آجانانی ندارد و بیشتر افرادی که این مشاغل را انجام می‌دهند از شهرهای مجاور آمده‌اند. که این خود تفاوت‌های زندگی و فرهنگی و افزایش افراد ماجر پذیر با وجود همان امکانات قبلی شهری یا همان جمعیت را در پی داشته است. این مشاغل بیشتر به چشم مشاغل کم‌درآمد نگریسته می‌شوند و کمتر افراد داوطلب خواهند شد که انجام دهند» (سیروان، ۳۰ ساله)

به درستی می‌توان از بین رفتن قدرت این مشاغل از مشاغل کاذب و خدماتی که به واسطه‌ی بازارچه‌ها در این مناطق حاکم شده است را دید. مشاغلی از این قبیل به اندازه‌ای در حاشیه اشتغال قرار گرفته‌اند که افراد حاضر نیستند به هیچ وجه آن را برگزینند و آینده شغلی خود را با آن تصور کنند. جلیل که صافکار بود بیان می‌داشت:

«من خودم اهل بوکانم و تقریباً ۲۰ ساله هستم در شهرستان بانه زندگی می‌کنم. در طول این ۲۰ سال تجربه صافکاری بارها بوده که از طرف خانواده خود و یا خانواده زنم و یا برادرام که به من پیشنهاد شده این شغل را ترک کنم و حتی به دست فروشی بپردازم. ولی من ادامه دادم. در ارتباط با وضعیت این شغل نسبت به شهرهای دیگر واقعا استاد کار ماهری نداریم؛ چون هیچکس با دل کار نمی‌کند و تنها چکش‌های پولی می‌زنند. مکانیکی هم به همین قراره. جو این شهر جوریه که باید تمییز باشی و با یک تلفت ۱ میلیون پیدا کنی. اینو تایید می‌کنند و اصلا مشاغل ماها اهمیتی ندارد» (جلیل، ۳۱ ساله).

در بافت جوامعی از این قبیل اعتقادات، باورها و ارزش‌های کنشگران با وارد شدن بازار و تجارت مرزی دستخوش تغییر شده است. ارزش‌های تازه سرکشیده، که شکل‌دهنده‌ی خواسته و عقایداند، کنشگر را وادار به عمل و انتخاب می‌کنند. بحران شناختی افراد از دیدهای سنتی و سرخوردگی‌های ناشی از آن باعث شده که فرد وارد بنیه‌های این ذهنیت بخشی (بازار) شود و به قولی دست به فعالیت‌هایی در راستای کسب پول؛ به‌عنوان مبنای منزلت دهی بزند.



سیاست‌های اقتصادی و تحصیلات در مناطق مرزی

تحصیلات نقشی حیاتی در زندگی جوانان در جامعه معاصر دارد. جوانانی که توانایی استفاده بهینه از فرصت‌های آموزشی را دارند، احتمال موفقیت بیشتری برای بهره‌گیری از فرصت‌های محدودی که در بازار کار آینده نصیب آن‌ها می‌شود، خواهند داشت. طولانی شدن آشکار فرآیندهای گذار جوانی در جامعه نوین، به همراه خود فشار فزاینده‌ای به جوانان برای کسب مدرک دانشگاهی و پر کردن فرصت‌های زندگی در نبود تجربه اشتغال تمام وقت به همراه داشته است. از سوی دیگر فرآیند جهانی تورم تحصیلات، افزایش شدید تعداد جوانان علاقه‌مند به تحصیل در رشته‌های خاص دانشگاهی را به دنبال داشته که خود کم‌ارزش شدن نسبی مدرک دانشگاهی برای تکمیل تحصیلات و دستیابی به مدارک کمیاب‌تر را به همراه داشته است (ذکائی، ۱۳۸۶: ۲۰۸). تحصیلات در مناطق مرزی در بعد ساختاری تحت تاثیر دو عامل اقتصادی (مشخصه بارز این مناطق در زمانی خاص) و کلیت تحصیلات در کشور قرار می‌گیرد. بعد اول و رسوخ ایده‌گزينش سیاست‌های اقتصادی در این نواحی به شدت تحت تاثیر بعد آموزش و بیکارهای فراگیر آن در سطح کشور قرار گرفت. به طوری که شمار زیاد بیکاران تحصیل کرده در سطح ملی جوانان را هر چه بیشتر به این سمت سوق می‌داد. در شهرستان بانه چنان‌که آمارها نشان می‌دهد، از تعداد کل فارغ‌التحصیلان شهرستان بانه ۱۰۴ نفر در سطح فوق دیپلم بیکار هستند و ۲۱۲ نفر در سطح لیسانس بیکار می‌باشند. در سطح فوق لیسانس/ دکتری حرفه‌ای و دکتری تخصصی به ترتیب تعداد ۲۹ و ۱ نفر از تحصیل کردگان از بیکاری رنج می‌برند. به این ترتیب این عامل با تشدید عوامل اصلی باعث طرفداری چند برابری جوانان از بازار شد. یکی از افراد مورد مصاحبه بیان می‌کرد که:

«دانشگاه رفته‌های بیکار زیاد که نه ولی به نسبت کم نیستن که الان تو بازار مشغول کارند. دقیق اینا جایگاهی نداشتن که استخدام بشن و همه اینا رو داریم می‌بینیم» (دانیال، ۲۵ ساله؛ همین نکات رو مسعود ۲۴ ساله نیز تکرار می‌کند) یکی دیگر از افراد مورد مصاحبه در تایید بیانات دانیال بیان می‌کرد:

«نه تنها در شهر مریوان، بلکه در اکثر شهرها و استانهای ایران امار بیکاری تحصیل کردگان زیاد است و مختص مریوان و یا کردستان نیست. ولی خب فرقی که من با یک مرکز نشین دارم، در دسترس بودن دستفروشی و بازار مرزی است که به دلیل دید آبی نگری خودم و خانواده‌های اینجا، این شغل را بر می‌گزینیم» (محمد، ۳۲ ساله).

در شهرستان بانه از تعداد ۶۷۶۸۱ از کل افراد باسوادای که در حال حاضر تحصیل نمی‌کنند تعداد ۸۹۵۰ نفر از آن‌ها در بازه سنی ۱۹-۱۵ سال قرار دارند. ۱۴۰۶۱ نفر از اعضا به نوعی دارای بیشترین فراوانی در گروه سنی ۲۴-۲۰ سال سن قرار دارند. در گروه سنی ۲۹-۲۵ و ۳۴-۳۰ به ترتیب تعداد ۱۲۹۳۵ نفر از افراد ۱۰۴۱۶ نفر از آنها تحصیل نمی‌کنند. در جدول پایین به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد که بازهای سنی که می‌توانستند دانشگاه و تحصیلات آکادمی را دنبال کنند، دست از تحصیل برداشته‌اند. و این ماجرا دقیقاً مصادف با دوران اوج بازار شهرستان بانه یعنی اواسط دهه رونق گرفتن تجارت مرزی است. به‌مانند گفته‌های یکی از افراد مورد مصاحبه که مشاور بودند:

«هرم سنی دهه ۶۰ و بیکاری آن در بانه و دیگر شهرهای ایران، پررنگ‌تر شدن ناکارآمدی آموزش عالی، فقر و شرایط محیطی بانه، همه و همه باعث مشروعیت بازار شد» (مشاور، ۳۳ ساله).

یکی دیگر از افراد فرهنگی تحصیلی بیان می‌کرد:

«از ۱۳ نفر گذران راهنمایی تنها ۶ نفر به دبیرستان رفتند، مابقی به کلی تک تحصیل نمودند و مسیر خود را انتخاب کردند» (مشاور مدرسه، ۲۸ ساله).

جوانان امروزی مناطق بانه و مریوان به خاطر ذهنیت و واقعیت بازاری مسیر ادامه تحصیل را به کلی جدا از بازار فرض می‌کنند و معتقدند برای رسیدن به موفقیت‌های تجسم شده در ذهن، باید ترک تحصیل کرد. واقعیت امر آن است جدا از رونق

بخشیدن به زندگی مردم و بهبودهای نسبی زندگی، به کلی زندگی آموزشی فرد را در ابعاد منفی تحت تأثیر قرار داده است و هنوز تفکر جوانان به این ذهنیت آمیخته نشده است که می‌تواند این مادیات را در مسیر هر چه بهتر تحصیل و آموزش و کارهای فرهنگی مورد استفاده قرار دهد.

■ سیاست‌های اقتصادی و فرهنگ پولی در مناطق مرزی

در گذشته مردمان مناطق مرزی کردستان، پول و مبادلات تجاری چندان چشمگیر و تبدیل به یکی از علل وجودی ارزش و شأن اجتماعی نشده بود، بلکه ترکیب کشاورزی و دامداری، شیوه‌های اصلی تضمین معیشت آنان بود. عزیز در این باره اظهار می‌کند

«بحث‌های خانوادگی و حتی مغازه‌دارها، بیشتر بحث موفقیت اقتصادی، کسب درآمد، طرف انقد پول در میاره، یارو دو مغازه‌دار، این این این (عین جملات مشارکت‌کننده)، است و همه مبناهای تایید فرد مقدار پولی هست که به هر نحوی توانسته است کسب کند» (۳۴ ساله).

این تغییرات حادث شده در حوزه ذهنیت مردم و زیست آن‌ها حضور و وفور هر چه بیشتر کالاها و وسایل تجملی در بین مردم باعث شده، قدرت و توان هر فرد در کشاکش مادی‌گرایی سنجیده شود. به نوعی که داشتن ثروت، پایه متداول اعتبار و پایگاه سربلندی او باشد. برای اینکه شخص در انظار مردم به نیکی شناخته شود، لازم است به میزانی متداول و گاهی نامعین، ثروت داشته باشد. آن دسته از اعضای اجتماع که از ثروت و توانمندی کمتری برخوردار هستند، در نظر اعضای دیگر، ارج کمتری دارند و در نهایت خودشان هم این شان را می‌پذیرند، زیرا احترام شخص به احترامی وابسته است که همسایگان برای او بجا می‌آورند. در هر اجتماعی که مالکیت فردی بر کالا رواج می‌یابد، لازم است که شخص برای آرامش فکری خودش، مانند دیگران آن قدر مال و منال فراهم که در طبقه او مرسوم است و اگر چیزی بیش از دیگران داشته باشد، بسیار خوشنود کننده خواهد بود (وبلن، ۱۳۸۳: ۷۶). مشارکت‌کنندگان زیادی در ارتباط شان اجتماعی و پیوند آن با پول بحث‌های جالبی داشتند که حتی الامکان سعی می‌شود این زیبایی زبان اصلی حفظ شود.

یکی هست تو طایفه‌مون، شکر خدا داره ولی دارایش زیاده. خیل مهمه بخدا، این مهم بودن بخاطر خود شخص و شخصیتش نیست اصلاً. بخاطر مالیه که داره و براش حکم پغمبری رو صادر کرده تو طایفه. بخدا می‌گم نمی‌تونیم و نمی‌زارن که حرف بزیم وقتی که جمع می‌شیم، بزرگترها می‌گن بی احترامیه بهش، مجبوراً گوشیمو برمیدارم به پسر عموم اس میدم. می‌گم گوش کن بدردت می‌خوره، در جواب فقط ی جمله می‌فرسته، تو رو خدا این مشاور خانوادگی ما داره چی می‌گه (باخنده) (ارسلان، ۲۴ ساله).

اولین مرحله پیامدهای فرهنگی این سیاست اقتصادی را شاید بتوان در درک متفاوت از زندگی و متعاقب آن تأییدهای منزلتی ناشی از ورود پول دانست. بحران شناختی افراد از دیدهای سنتی و سرخوردگی‌های ناشی از آن باعث شده که فرد وارد بنیه‌های این ذهنیت بخشی (بازار) شود و به قولی دست به فعالیت‌هایی در راستای کسب پول؛ به عنوان مبنای منزلت دهی بزند. اکثر افراد از تجربه‌های زیسته خود در جامعه مرزی می‌گفتند و معتقد بودند با این شرایط اقتصادی تا دورانی خاص، ذهنیت پولی به زندگی اکثریت مردمان رسوخ کرده است. با این فرهنگ پولی واسطه‌گران اقتصادی به الگوهای مرجعی تبدیل شده‌اند در اذهان اهالی منطقه دارای شان و منزلت بالایی هستند و نه تنها معیارهای جدیدی از مصرف را عرضه، بلکه الگویی برای دیگر افراد جامعه و خصوصاً جوانان شده‌اند. واسطه‌گران اقتصادی با نمایش گذاشتن قدرت اقتصادی خود بدین طریق خیلی از مرزهای مصرف را شکسته و چشم و هم‌چشمی‌هایی نیز در سطح وسیعی ایجاد کرده‌اند که به دلیل پایه‌گذاری توسط خود آنان، نفر اول

این رقابت همیشه خودشان هستند. در تقابل آنان کسانی که نتوانند خود را با این بافت منزلتی تطابق دهند، در جامعه طرد و پس انداخته می‌شود به این دلیل بود که اکثر بیان می‌کردند که در این جامعه بحث تحصیل کردن و طرد آنها نیست، بلکه بحث فقر مالی و طرد قشر فقیر است.

«یکی از افراد بازاری به اسم بهزاد بیان می‌کرد. در این جامعه آنچه که برای شخصیت یک فرد خیلی مهم است مقدار دارایی که دارد، است و اگر واقعا خیلی داشته باشد در منظر مردم دیگر خوب و قدرتمند و برجسته ز رنگ می‌خورد و طرد نمی‌شود و حالا چه از طریق بازار و چه از طریق تحصیل پولدار بشی. فرقی نمی‌کند» (بهزاد، ۳۴ ساله).

بنابراین اکثریت اهالی این دو منطقه دید ارزشی آمیخته شده با میزان دارایی با توجه به سیاست‌های اقتصادی پیدا کرده‌اند و همه دارند از سودهای کلان آن حرف می‌زنند و بیشتر تشویقاتی که به گوش جوانان می‌رسد، خکسب سود و پول در بازار است

مدل ۱: مدل زمینه‌ای پیامدهای انتقادی سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی



نتیجه‌گیری

مناطق مرزی کشور همواره از قدیم به لحاظ موقعیت جغرافیایی، مناسبات قومی و سوابق تاریخی، منشاء انجام پاره‌ای ارتباطات و مبادلات مرزی میان ساکنین دو سوی نوار مرزی بوده‌اند. ناتوانی‌های بالقوه طبیعی و اقتصادی این مناطق، خصوصاً در بخش کشاورزی و صنعت، به دولت‌ها اجازه داده که به لحاظ محرومیت‌زدایی، ایجاد اشتغال، پایداری جمعیت و ممانعت از تخلیه مناطق مرزی و وقوع قاچاق تمهیداتی را در مبادلات بازرگانی نواحی مرزی لحاظ نمایند. به همین منظور، جهت رسیدن به اهداف فوق‌الذکر، بازارچه‌های مرزی به عنوان مکانیسم برآورد موارد فوق تشکیل گردید. این مبادلات دارای نقش پر اهمیتی در اقتصاد نواحی مرزی می‌باشد که می‌تواند صلح و ثبات را در این مناطق موجب شوند. تحقیق حاضر به منظور تبیین پیامدهای سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی بر زندگی اقتصادی و فرهنگی مرزنیسانان صورت گرفته است. در واقع سؤال اصلی پیش‌رو این بود که سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی کدرستان چه دستاوردهای در حوزه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته است. در ابتدای تأسیس بازارچه‌ها در مناطق مرزی این امید وجود داشت که مزایای آن شامل همه مرزنیسانان و بیکاران گردد، زیرا مردمان آن نواحی نه از کشاورزی چندانی برخوردار بودند و نه مهارت و توانایی خاصی داشتند. هر چند اثرات متفاوت این

بازارچه‌ها در بسترهای زمان و مکان متفاوت و متغیر است؛ اما چنان‌که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی نیز، خیلی کم نیستند. بخصوص امروزه که به نسبت سالیان گذشته بیشتر نیز شده است. بنابراین، با توجه به نتایج باید گفت که سیاست اقتصادی بازارچه‌های مرزی در هنجار قانونی خود عمل نکرده‌اند و از اهداف اولیه خود تا حدودی فاصله گرفته‌اند. در اهداف اولیه شکل‌گیری مبادلات مرزی، توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی سالم، سرآمد این تصمیمات بوده اما در اثنای بررسی‌های صورت گرفته در مناطق مورد مطالعه شاهدیم که بازارچه‌های مرزی بیشتر زندگی افرادی که نفوذ و قدرت خاصی داشته‌اند، تاثیر مثبت داشته است. افرادی که از رانتهای مختلف بهره می‌برند و تونسته‌اند از آن به نفع خود استفاده کنند، بیشترین سود را برده‌اند، که در این صورت حالت همه‌گیر آن از بین رفته است. هر چند که مردم استفاده کننده از مزایای این بازارچه، فعالیت آن را تا حدودی مفید ارزیابی می‌کنند ولی چون اشتغال آن با برنامه‌ریزی مناسب اقتصادی توسط مسئولین همراه نبوده، باعث شکل‌گیری نارضایتی‌هایی در میان آنان شده است. یکی از مهم‌ترین اثراتی که سیاست‌های اقتصادی توانسته است، برجای گذاشته‌اند به مبحث اشتغال مربوط است. پایین بودن میزان اشتغال افراد ناتوانمند و فاقد نفوذ در آن حیطه نسبت به دیگر افراد و سایر پولداران (حداقل در این بازه زمانی) باعث شده که از اکثریت مردم، امروزه بازارچه‌های منطقه نه تنها تاثیر مثبتی اشتغال آنان نداشته باشد بلکه از بعضی جنبه‌ها نیز اثرات منفی آن نمایان شود، به نوعی که با مقایسه کردن خود با دیگران و میزان نابرابری با دیگران نفوذ کرده، به شدت احساس نابرابری و ظلم می‌کنند. نتایج این بخش با نتایج شرافت و یاری (۱۳۹۱) در تضاد و با افتخاری و همکاران (۱۳۸۷) همخوانی دارد. از دیگر حوزه‌های که مصاحبه افراد بیشتر آن را نمایان می‌کند، مبحث میزان درآمد است. در اوایل به دلیل پیشینه فقی گذشته مردم منطقه مرزی بهبود درآمد به کلی حس می‌شد و مردم راضی بودند و به نسبت بازار و تجارت به مانند امروز سرمایه‌بر نبود؛ ولی امروزه با بستن هر چند وقت یکبار بازارچه‌ها، افزایش تعداد کولبران، پيله وران، باربران و حتی دستفروشان درآمد مردم کاهش پیدا کرده است، و جایگزینی مناسبی برای آن ندارند. در بحث در زمینه قاچاق کالا، بیشتر مصاحبه شوندگان به این نکته اشاره کردند که ایجاد بازارچه‌ها منجر به کاهش ورود و خروج کالاهای قاچاق در منطقه شده است. ولی نمی‌توان آن را به کلی منکر شد، چون امروزه نیز وجود دارد و حتی با بسته شدن بازارچه‌ها که از سیاست‌های اقتصادی دیگری سرچشمه می‌گیرد، در بعضی مواقع شاهد افزایش قاچاق کالا هستیم. نتایج این بخش با نتایج (کامران و همکارانش در سال ۱۳۸۸ همخوانی؛ ولی با نتایج عبده زاده در سال ۱۳۹۲ مخالف دارد). در ارتباط با مشاغل صنعتی- تولیدی خرد نتایج به خوبی نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی در این مناطق جلوه آن را به کمترین حد خود رسانده است. بنابراین این امر مهم منتج می‌شود که با بروز بازارچه‌ها و اقدامات اقتصادی به کلی صنایع خرده‌پا و تولیدی به تحلیل رفته است و در ذهنیت افراد این مناطق امروزه جایگاهی ندارند. بحث دیگری که قابل بیان است مبحث حوزه فرهنگی و تحصیلی جوانان در این دو شهرستان مرزی است. با سیاست‌های اقتصادی و همچنین عوامل تشدید کننده دیگر شاهد ترک تحصیل اکثر نوجوانان و جوانان مرزی در مقایسه با سایر شهرستان‌های استان هستیم که این خود یکی از آثار منفی وجود بازارچه‌ها در منطقه بوده است. افراد ساکن بنا بر تجربه خودشان بر این باور بودند که از زمان برپایی این بازار و رونق گرفتن آن جو آموزشی و کلیت نهاد نظام آموزش دچار رنگ‌باختگی شده است. علل بازار از دیگر سو و حالت طردی نظام آموزشی از طرف دیگر مزید بر علت این افت شده است. درواقع رونق گرفتن این بازار، به قول جوانان دری گشوده است که می‌توان گزینه خوبی برای کل کاستی‌های، از لحاظ تأمین زندگی آینده باشد. بنابراین وقتی با این خیل عظیم رونق در بازار مواجه می‌شوند، توان تاب‌آوری آن‌ها برای صبر کردن به حقوق ناچیز یک دهه دیگر، آنهم به شرط استخدامی؛ پایین می‌آید (نتایج این بخش فرهنگی با نتایج احمدی، ۱۳۹۵؛ باینگانی، ۱۳۹۳؛ رضانی، ۱۳۹۱) مساوی است. یکی دیگر از نتایجی که قابل بحث است، تغییر ارزشهای فرهنگی و پایه‌های منزلت دهی به افراد است. امروزه با سیاست‌های اقتصادی در پیش گرفته مناطق

مرزی در طول ۱۵-۱۰ سال شاهد رشد بی‌چون‌چرای منزلت‌یابی دلان اقتصادی هستیم، که از تمام سرمایه وجود، سرمایه اقتصادی و قدرت پول بالایی دارند. بنابراین یکی پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در این نواحی تغییر ماهیت منزلت از دید سنتی و فرهنگی و حتی مذهبی به منزلت از لابه‌لای ارز، کالاهای لوکس، جشن‌های آن‌چنانی، ماشین‌های نمایشی و چشم و هم‌چشمی‌های اقتصادی است. که این از سویی باعث زوال ارزش منزلت فرهنگی و طرد افراد فقیر؛ و از سویی دیگر باعث بروز رفتار مصرفی می‌شود؛ و دارایی مالی را به‌عنوان معیاری برای عامه مردم، تبدیل می‌کند.

منابع

- احمدی، هیوا (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی هژمونی بازار و تحویلا جوانان در مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهر بانه و دهستان شوی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی
- ارزیابی مبادلات مرزی در اقتصاد کشور (۱۳۸۰). وزارت بازرگانی، معاونت بازرگانی خارجی.
- ازکیا، مصطفی؛ ایمانی جاجرمی، حسین و دیگران (۱۳۸۴). روش‌های کاربردی تحقیق: کاربرد نظریه بنیانی، تهران
- امین‌زاده، فتاح (۱۳۹۰). صد سال تاریخ اقتصاد بانه، نشر آنا
- آیین‌نامه اجرایی بازارچه‌های مرزی (۱۳۷۱). اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی کشور.
- باینگانی، بهمن (۱۳۹۳). مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین (اتنوگرافی انتقادی بازار مرزی بانه)، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، رشته جامعه‌شناسی، پایان‌نامه برای دریافت درجه دکترا
- ذکاتی، محمد سعید (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی جوانان ایران، تهران، انتشارات آگاه. چاپ اول
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پاپلی یزدی، محمدحسین و عبدی، عرفان (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی، مورد مطالعه: بازارچه شیخ صالح، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره دوم.
- رضائی، قیاد (۱۳۹۱). بررسی دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان مقطع متوسطه در خصوص نقش مناطق تجاری مرزی شهرهای بانه و مریوان بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان، دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
- زرقانی، سیدهدادی (۱۳۹۱). تحلیلی سیاسی فضایی بازارچه‌های مرزی در اقتصاد ایران (نمونه موردی بازارچه مرزی باشماق مریوان). فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره شانزدهم، شماره یک، صص ۲۳-۲
- شرافت، سجاد و یاری، مجید (۱۳۹۱). نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه روستایی مناطق مرزی (مورد مطالعه: بازارچه مرزی مهران). همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت: چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- عبده‌زاده، سیروان (۱۳۹۲). بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر کیفیت زندگی روستائیان مرزنشین مورد مطالعه: بازارچه‌های مرزی و روستاهای منتخب شهرستان مریوان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی
- فلیک، اوه (۱۳۹۲). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران، نشر نی
- کامران، حسن (۱۳۸۹). تحلیل کارکرد بازارچه مرزی باجگیران، نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال ششم، شماره ۱۹ و ۱۸
- محمودی، علی (۱۳۸۳). ساختار مبادلاتی بازارچه‌های مرزی در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرزنشین، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- مراتب، مریم (۱۳۸۴). نگاهی به منطقه آزاد ارس، استانداری آذربایجان غربی.
- وبلن، تورستاین (۱۳۸۳). نظریه طبقه مرفه، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی



- Asente, CW (2012). Unraveling the health- related challenges of women in the informal economy: accounts of women in cross- border trading in Accra, Ghana, Geojournal
- Chandoevrit, worawan, (2004), Thailand’s cross border economy , a case study of sakaeoand chiangrai; Thailand development resources institute
- Darlington, Y. and Scott, D. (2002). Qualitative Research in Practice Stories from the Field. Singapore, South Wind Productions.
- Pál, Ágnes, (2011), New results of cross border coparation: The impact of border zones location on spatial feature of SZEGED’S trade, The Department of Social Geography and Regional Development Planning Humanitarian Policy Group Overseas Development Institute 111 Westminster Bridge Road London of the University of Debrecen & Institute forEuroregional Studies.
- Phangaphanga, Clement. (2007), Integrating Rural Development and Export Trade; Government of Malawi, Ministry of Industry, Trade and Private Sector Development.
- Schneider, Friedrich (2005). Shadow Economies Around the World: What Do We Really Know?, *European Journal of Political Economy*, Vol. 21

